

## اسناد زیارت عاشورا

<"xml encoding="UTF-8?">



بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين افضل الصلوات على افضل المرسلين سيدنا محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم  
اجمعين الى يوم الدين»

### اسناد زیارت عاشورا

مطالبی که پیش روی دارید به روشنی بر آن دلالت می کند که زیارت شریفه عاشورا بطور قطع از پیشوایان کرام شیعه، اهل بیت علیهم السلام، صادر شده و بدست ما رسیده است.

دلیل 1: این زیارت با همین کیفیت مشهور با چهار طریق بوسیله ابن قولویه و شیخ طوسی رحمهما الله از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است بنابراین روایت «مستفیض» است و استفاضه به تنهایی موجب ظن به صدور حدیث از اهل بیت (علیهم السلام) می باشد. ما بامید خداوند متعال در انتهای این بحث طرق نقل این حدیث شریف را ذکر خواهیم نمود.

دلیل 2: غیر از زیارت عاشورای معروف زیارات دیگری در این روز - برای اباعبدالله الحسین (علیه السلام) - روایت شده است که هر يك با سلسله سند جداگانه ای نقل شده است.

در این زیارات مضامین زیارت عاشورا مانند اظهار درد و اندوه و سلام بر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و اصحابش و لعن بر دشمنان و استغاثه و ناله بسوی خداوند متعال برای خونخواهی ایشان ذکر شده است. حتی در برخی از این روایات سجده آخر زیارت نیز مذکور می باشد.

بنابراین روایت زیارت عاشورا به همراه این روایات که در کتاب های بحارالانوار (1) و مستدرک الوسائل موجود می باشند، تواتر معنوی خواهد داشت. و دستکم می توان گفت این روایات از تواتر اجمالی برخوردارند بطوری که انسان یقین می کند که برخی از آنها برای روز عاشورا از امام (علیه السلام) صادر شده اند. دلیل 3: در میان احادیثی که زیارت شریفه عاشورا در آنها نقل شده است، برخی از آنها دارای سلسله سند خوب و محکمی هستند که راویان آن افراد «ثقه» و یا «حسن» هستند. بنابراین روایت «حسنه» و قابل اطمینان می باشد. مانند روایتی که «شیخ صدوق (رحمه الله)» آنرا به «صفوان» می رساند و «صفوان» از حضرت صادق (علیه السلام) نقل می کند: «روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره، عن صفوان عن الامام الصادق (علیه السلام)» که در این سند صفوان و سیف بن عمیره هر دو افرادی «ثقه» هستند (2)، بنابراین تنها 2 نکته در این طریق قابل بحث می باشد:

- 1- محمد بن خالد الطیالسی تا چه اندازه مورد اطمینان است و آیا گفته او قابل اعتماد می باشد؟
- 2- آیا طریق شیخ به طیالسی یعنی افرادی که شیخ (رحمه الله) روایت را از آنها نقل می کند و به «محمد بن خالد طیالسی» می رساند مورد اطمینان هستند؟

### بررسی نکته اول:

علامه مامقانی از محمد بن خالد الطیالسی بعنوان فردی «حسن» (3) نام برده است و محدث نوری (رحمه الله) او را از بزرگان شیعه و از «ثقات» (4) می داند. همچنین از کلمات علامه امینی (رحمه الله) چنین نمایان می شود که او فردی مورد اعتماد است (5) از طرفی بزرگان شیعه از او روایات فراوانی نقل کرده اند و از این مطلب آشکار می شود که او فردی مورد اطمینان بوده است.

### بررسی نکته دوم:

در سلسله افرادی که واسطه در شیخ (رحمه الله) از طیالسی می باشند تنها يك نفر مورد سؤال است. این شخص «احمد بن محمد بن یحیی» می باشد که علماء رجال تصریح به «ثقه» بودن او نکرده اند (6). آیا نقل این فرد مورد اطمینان است؟ در جواب این سؤال باید گفت که برخی از طرق شیخ (رحمه الله) که «صحیح» دانسته شده مثل طریق شیخ به حسین بن سعید مشتمل بر همین فرد مورد بحث یعنی احمد بن محمد بن یحیی می باشد که این موجب توثیق احمد بن محمد بن یحیی می شود چنانکه میرزا محمد صاحب کتاب معجم الوسیط به این نکته تذکر داده

است (7) دلیل بر تضعیف او نمی شود تا با توثیقی که ذکر شد معارضه داشته باشد بنابراین توثیقی که از تصحیح طریق شیخ استفاده کردیم همچنان پابرجاست و ما هم مانند علامه مامقانی، شهید ثانی، سماهیچی، محقق اردبیلی، داماد، شیخ بهائی، و شیخ حسن صاحب «المنتقى» (رحمهم الله) او را فردی «ثقه» می دانیم (8). طریق دیگری نیز شیخ ابن قولویه در نقل زیارت عاشوراء معروفه دارد که در آخر جزوه که اسناد زیارت عاشورا بررسی می کنیم مورد بحث قرار می دهیم که آن طریق هم حسنه می باشد.

دلیل 4: با قطع نظر از سند روایت و با توجه به مضامین بلند و قرائنی که در خود زیارت شریفه عاشورا موجود است می توان به صدور آن از اهل بیت (علیه السلام) ظن پیدا کرد: از این شواهد به چند مورد اشاره می کنیم: 1- این روایت مشتمل بر 2 رکن و شرط اساسی ایمان یعنی «تولی» اولیاء خدا و «تبری» نسبت به اعداء ایشان می باشد. این دو اصل بشدت مورد اهتمام کتاب و سنت است تا آنجا که در بعضی از روایات چنین آمده است: «هل الدين الا الحبّ و البغض» (آیا این دین چیزی جز دوستی دوستان خدا و دشمنی دشمنان اوست).

2- مضامین این روایت به هیچ روی موافق با عقاید و آراء اهل سنت نمی باشد بنابراین نمی تواند از روی تقیه صادر شده باشد (با توجه به اینکه صدور روایت به جهت تقیه آنرا از اعتبار و قابلیت استدلال ساقط می کند و نیز یکی از جهات معتبر دانسته شدن روایت و ترجیح دادن آن بر روایات معارض مخالف بودن مضمون آن روایت با آراء اهل سنت می باشد).

3- مضمون این روایت با روایات فراوانی که مشتمل بر استحباب اظهار حزن و اندوه و شیون بر مصائب سیدالشهداء (علیه السلام) می باشد، و همچنین با روایاتی که می فرماید روز عاشوراء را بعنوان روز سرور و تبرک قرار ندهید و روایاتی از این قبیل موافق می باشد.

دلیل 5: جمیع علماء شیعه نقل و عمل بر طبق این روایت (یعنی زیارت عاشورای معروفه) را پذیرفته اند. که از این تسالم عملی علماء اصطلاحاً به «اجماع عملی» یاد می شود. پس می توان گفت اجماع عملی علماء شیعه بر نقل و عمل به این زیارت قائم شده است و این خود دلیلی محکم بر صدور آن از اهل بیت است (علیهم السلام) است.

دلیل 6: زیارت عاشوراء با این کیفیت نزد تك تك شیعیان از مسلمات بشمار می آید، بنابراین این زیارت مانند جواز ازدواج موقت و اعتقاد به رجعت (که تمامی افراد شیعیان به آن اعتقاد دارند) از ضروریات مذهب شیعه می باشد. و اگر این روایت از اهل بیت (علیهم السلام) صادر نشده بود نقل و عمل به آن نزد شیعیان به این درجه از شهرت نمی رسید.

دلیل 7: غیر از روایت اصل زیارت عاشوراء روایات دیگری نیز از اهل بیت (علیهم السلام) صادر شده است که بر تأکید و اصرار نسبت به خواندن زیارت عاشوراء دلالت می کند. و می فرمایند که اگر هم کسی عجله دارد و نمی تواند 100 مرتبه لعن و سلام را بخواند باز این زیارت را ترك نکند. مانند روایتی که به طریق مرسل از امام هادی (علیه السلام) نقل شده است. و در آن چنین آمده است که کسی که نمی تواند لعن و سلام را کامل کند هر يك از لعن و سلام را دوبار بگوید و در مرتبه دوم بگوید «تسعاً وتسعين مرة» این روایت هرچند که «مرسله» است ولی احتمال صدور زیارت عاشوراء را از اهل بیت (علیهم السلام) تقویت می کند.

دلیل 8: خواب ها و مکاشفات فراوان که از افراد موثق و صالح در مورد آثار و برکات دنیوی و اخروی زیارت عاشوراء و تأکید و تحریک و اصرار بر قرائت آن و مداومت نمودن بر آن نقل شده است موجب اطمینان به صدور آن از اهل بیت (علیهم السلام) می شود. برخی از این قضایا را محدث کبیر «حاج شیخ عباس قمی» در کتاب شریف مفاتیح

الجنان نقل نموده است.

نقل این آثار و برکات چنان فراوان است که به میزان «تواتر» رسیده است (وانسان یقین ببه مآثر بودن این زیارت می کند).

دلیل 9: هر يك از ما به تجربه آثار فراوانی را که ختم های زیارت عاشورا به روش های مختلف برای خودمان یا دیگران داشته دیده ایم و این نشانه ای یقینی از ثبوت زیارت عاشورا و صدور آن از اهل بیت (علیهم السلام) است. این شواهد عینی بسیار گسترده است. گویا در میان مردم بدیهی است که اگر کسی 40 روز مثلاً زیارت عاشورا را قرائت کند این عمل اثر عجیبی در رفع گرفتاری ها و برآورده شدن حاجات او دارد. بنابراین می توان بطور قطع حکم به صدور این روایت از اهل بیت عظام (علیهم السلام) نمود و لااقل گفت که این روایت حجت است و لذا انکار صدور آن از اهل بیت (علیهم السلام) سرباز زدن از حقیقت است.

### اثبات استحباب زیارت عاشورا از طریق دیگر

فرض کنید که این زیارت ثابت نباشد اما اگر آنرا با نیت امید به درك ثواب واقعی (نیت رجاء) بخوانند، خداوند متعال ثواب آنرا می دهد. دلیل این مطلب روایات متضافری است که در آنها تصریح شده است که اگر کسی شنید که عملی فلان مقدار ثواب دارد و به نیت رسیدن به آن ثواب آن عمل را انجام داد خداوند متعال همان مقدار به او ثواب می دهد، هر چند رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آنرا نگفته باشد، برخی از این روایات صحیح السند و حجت قطعی می باشند بنابراین می توان گفت کسی که زیارت عاشورا را به نیت رسیدن به آثاری که برای آن نقل شده است بخواند به آنها می رسد.

از این بالاتر برخی از علماء با استفاده از این روایات، که به روایات «من بلغ» نامیده شده اند، چنان استدلال نموده اند که خود آن عملی که خبر ضعیفی بر آن هست مستحب می شود. این کشف استحباب از اخبار ضعیف را «تسامح در ادله سنن» می نامند. بدین معنا که برای اثبات يك عمل مستحب احتیاجی به روایات محکم از افراد ثقه نیست بلکه استحباب يك عمل با خبر ضعیف هم ثابت می شود. با توجه به مطلب فوق و وجود یقینی روایت برای زیارت عاشورا از طرق مختلف حتی اگر همه این طرق ضعیف هم باشند باز استحباب زیارت عاشورا اثبات می شود.

### اسناد زیارت عاشورا

در خاتمه (برای اطلاع اهل تحقیق) اسناد زیارت عاشورا را ذکر می نماییم:  
سند اول:

روایت کرده است شیخ ابن قولویه از حکیم بن داوود و از غیر او که نقل کرده اند از محمد بن موسی همدانی از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه که هر دو نقل کرده اند از علقمه بن محمد حصرمی از امام باقر (علیه السلام) و نیز روایت کرده (شیخ از حکیم بن داوود از) محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام باقر (علیه السلام): (9)

اکنون به بررسی سلسله سند می پردازیم.

## 1- حکیم بن داوود:

او از مشایخ اجازه ابن قولویه است و ابن قولویه (رحمه الله) در «کامل الزیارات» از ایشان روایات زیادی را نقل کرده است. ابن قولویه خود تصریح می کند به اینکه کسانی که من از ایشان روایت را نقل می کنم «ثقه» هستند. حتی براین فرض که مراد ایشان تمام سلسله سند تا امام (علیه السلام) نباشد باز لااقل مرادش شخصی است که خود او از آن شخص نقل می کند یعنی آخرین راوی قبل از خودش؛ بنابراین به تصریح او «حکیم بن داوود» ثقه است، زیرا قدر متیقن در این روایت حکیم بن داوود راوی اخیر است. (10)

مرحوم خوئی (رحمه الله) نیز در کتاب «معجم رجال الحديث» (11) او را از ثقات می داند. و محدث نوری او را جزو مشایخ ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات ذکر می نماید (12).

نتیجه اینکه حکیم بن داوود «ثقه» و معتبر است.

## 2- محمد بن موسی همدانی:

او همان محمد بن موسی بن عیسی ابوجعفر السمان الهمدانی می باشد. بنابر نقل محقق اردبیلی در «جامع الرواة» او فردی «ضعیف» است و از افراد ضعیف هم روایت می کند و بدلیل غلو نمودن علماء قم او را ضعیف دانسته اند و ابن ولید می گوید که او حدیث جعل می کرده است. والله اعلم (13).

علامه مامقانی می فرماید: او «مجهول» است و به روایتش عمل نمی شود (14). مرحوم خوئی پس از تعارض توثیق ابن قولویه با تضعیف ابن ولید و صدوق او را «مجهول» دانسته است (15). و صاحب روضه در مورد او قولی را انتخاب نکرده است (16).

مطالب فوق را در تضعیف این راوی مشاهده نمودید ولی باید دانست که علامه طباطبائی بیشتر مایل به اعتبار و صلاح امر او فی الجمله شده است (17). از این بالاتر محدث نوری (رحمه الله) درباره او چنین فرموده است: «هنوز ضعف محمد بن موسی همدانی ثابت نشده است تا چه رسد به اینکه جاعل حدیث بودن برای او ثابت شود...» پس از آن ایشان وجوهی را که برای تضعیف او ذکر می شود نقل کرده و با استفاده از کلمات سید بحر العلوم، تمام تضعیفات محمد بن موسی را رد کرده است (18).

نتیجه: «محمد بن موسی قابل اعتماد است».

### 3- محمد بن خالد الطیالسی التمیمی:

علامه مامقانی از کلمات نجاشی و شیخ استظهار نموده است که او امامی است و او را «حسن» می داند (19). محدث نوری نیز او را از «اجلاء و ثقات» می داند (20) و علامه امینی (رحمه الله) صاحب «الغدير» نیز او را مورد اعتماد دانسته است (21).

نتیجه: «محمد بن خالد الطیالسی قابل اعتماد است».

### 4- سیف بن عمیره النخعی:

او از اهل کوفه است و از سوی علماء رجال مورد توثیق قرار گرفته است.

(مصادر توثیق او را در... همین جزوه قبلاً بیان کرده ایم.)

نتیجه: سیف بن عمیره نخعی «ثقه» است.

### 5- صالح بن عقبه:

علامه اردبیلی از خلاصه و ابن غضائری چنین نقل می کند که او کذاب و غالی است و قول او مورد توجه قرار نمی گیرد (22). اما از آنجا که تنها کسی که او را تضعیف نموده ابن غضائری می باشد، مولی وحید متمایل به اصلاح حال او در نقل است (23). گویا صاحب تنقیح (24) و روضه (25) هردو این اصلاح او را قبول کرده اند. و صاحب روضه از کلمات صدوق چنین استظهار نموده که علماء شیعه بر کتاب او اعتماد می نموده اند (26).

بدین جهت علماء اخبار او را ذکر کرده اند و به آن عمل نموده اند. مرحوم خوئی نیز با توجه به توثیق ابن قولویه و علی بن ابراهیم صریحاً او را توثیق کرده است (27). محدث نوری نیز او را توثیق نموده است (28). و علامه امینی (رحمه الله) او را از اصحاب امام صادق (علیه السلام) بشما می آورد و می گوید: «از آنجا که افرادی چون یونس بن عبدالرحمن که از اصحاب اجماع است و ابن بزیع و ابن أبی الخطاب و طیالسی و محمد بن احمد بن یحیی که از أعظم علمای شیعه هستند، از او حدیث نقل می کنند انسان به قول او اعتماد پیدا می کند (زیرا چنین افرادی از شخص ضعیف روایت نقل نمی کنند) و دیگر احتیاجی به ذکر مدح خاص در مورد او نیست» (29).

«نتیجه: صالح بن عقبه ثقه و معتبر است.»

## 6- علقمه بن محمد الحضرمی:

علامه اردبیلی از رجال کلشی روایتی را شامل مناظره علقمه با زید نقل می کند که دلالت می کند بر اینکه او اعتقاداتی همچون زید داشته است (30). علامه مامقانی به «حسن» دانستن او متمایل شده است (31) مرحوم خوئی (رحمه الله) نیز روایت سیف بن عمیره و صالح بن عقبه را از علقمه در کامل الزیارات متذکر شده (32) و محدث نوری می فرماید: از کلام کشی در شرح حال برادر علقمه مدح خود علقمه نیز ظاهر می شود. (33) برای این مطلب که «علقمه» مورد اعتماد می باشد شاهی وجود دارد؛ به این ترتیب که «سیف بن عمیره» که از سوی علماء رجال موثق داشته می شود از صفوان چنین می پرسد: «علقمه برای ما این دعاء را (که شما گفتی) از امام باقر (علیه السلام) روایت نکرده است و تنها زیارت را روایت نموده است؟!» از این سؤال پیداست که علقمه بیش از صفوان مورد اطمینان بوده است زیرا صفوان علاوه بر زیارت دعا را ذکر کرده است و گویا سیف بن عمیره تعجب نموده و سؤال کرده است که اگر این دعا وارد شده است چرا علقه آنرا روایت نکرده است؟ از این مطلب برداشت می شود که علقمه معیار اصلی صحت روایت بوده است. نتیجه: «علقمه مورد اعتماد می باشد».

خلاصه: با توجه به بررسی تك تك افراد سند اول در می یابیم که این سند زیارت عاشوراء «حسنة» می باشد. و سند دیگری هم که در مباحث گذشته از شیخ صدوق (رحمه الله) نقل کردیم نیز حسنة بود.

## سند دوم:

(که در ضمن سند اول ذکر شده است): شیخ ابن قولویه از محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام باقر (رحمه الله) (34) در سند دوم دو اشکال وجود دارد:

اشکال اول: این سند را «مرسل» دانسته اند، زیرا ابن قولویه نمی تواند بلاواسطه از محمد بن اسماعیل مذکور روایت نقل کند. توضیح آنکه: این محمد بن اسماعیل، آن محمد بن اسماعیلی که ابن قولویه بواسطه او از فضل بن شاذان روایت نقل می کند نیست. و محمد بن اسماعیل بصری ملقب به فهد هم نیست که در دو جا وارد شده است، بلکه محمد بن اسماعیل بن بزیع است بقرینه اینکه از صالح بن عقبه نقل می کند. ابن بزیع از اصحاب امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) می باشد (و امام دهم (علیه السلام) را درک نکرده است) و در اوائل قرن سوم وفات نموده است. وفات

حضرت جواد (علیه السلام) 220 هجری است پس او قبل از 220 فوت نموده است و حال آنکه ابن قولویه 367 هـ فوت کرده است. بنابراین ابن قولویه ابن بزیع را ندیده است.  
بنابراین روایت ابن قولویه از محمد بن اسماعیل مرسله می باشد.

جواب اشکال: ظاهر عبارت کتاب «کامل الزیارات» که می فرماید: «و محمد بن اسماعیل...» این است که محمد بن اسماعیل عطف به «حکیم بن داوود» می باشد، بنابراین ابن قولویه بواسطه «حکیم بن داوود» (که شیخ اجازه ابن قولویه می باشد) از محمد بن اسماعیل نقل می کند، لذا اشکال رفع می شود و روایت مرسله نخواهد بود. بر فرض تنازل و قبول اشکال امکان دارد از طریق "تعویض سند" این سند را اصلاح کنیم بدین ترتیب که این قطعه از سند را با سند اول تبدیل کنیم. هرچند که با این کار هر دو يك سند خواهد شد.

اشکال دوم (35): ثابت نشده است که این سند، مربوط به زیارت عاشوراء باشد، بلکه احتمال دارد این دو سند مربوط به ثواب زیارت حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) در روز عاشوراء باشد نه خصوص این زیارت مشهور به زیارت عاشوراء. زیرا در روایت آمده است: «من زار الحسین (علیه السلام) یوم عاشوراء...» (36) (کسی که امام حسین (علیه السلام) را در روز عاشوراء زیارت کند...)

جواب: هرچند ظاهر این عبارت همینطور است و بیش از ثواب زیارت چیزی را نمی رساند. ولی ذیل عبارت دلالت بر ورود خصوص زیارت عاشورا می کند، زیرا بعد از ذکر ثواب زیارت چنین آمده است: علقمه به حضرت باقر (علیه السلام) عرض می کند که به من دعایی بیاموز که وقتی از نزدیک او را زیارت می کنم آثرا بخوانم و دعائی هم بیاموز که وقتی می خواهم از راه دور او را زیارت کنم بخوانم. آنگاه حضرت باقر (علیه السلام) همین زیارت عاشوراء معروفه را به او تعلیم می دهند (37). کما اینکه در آخر روایت حضرت (علیه السلام) به علقمه فرمودند: اگر می توانی هر روز این زیارت را بخوان در نتیجه این سلسله سند برای خود زیارت عاشوراء هم محسوب می شود. بعد از رفع این اشکال پیرامون سلسله آن بحث می کنیم.

1- حکیم بن داوود: قبلاً بیان کردیم که علماء او را «ثقه» دانسته اند و از مشایخ متصله ابن قولویه در کامل الزیارات است و مرحوم خوئی (رحمه الله) نیز او را توثیق نموده است (38).

2- محمد بن اسماعیل بن بزیع: «ثقه» است.

3- صالح بن عقبه: ایشان در سلسله سندهای تفسیر علی بن ابراهیم و کامل الزیارات ذکر شده است هرچند که بصورت غیر متصل می باشد. بنابراین نزد مرحوم خوئی (رحمه الله) این شخص «ثقه» می باشد (39).

4- مالک جهنی: علامه مامقانی به توثیق او متمایل است و دستکم می توان گفت او «حسن» است (40). از این بالاتر محدث نوری (41) و مرحوم خوئی (رحمه الله) (42) او را توثیق نموده اند و دلیل ایشان شهادت ابن قولویه به ثقه بودن ایشان می باشد.

بنابراین قول مالک جهنی قابل اعتماد می باشد.

نتیجه: روایت به این سند نیز حسنه است.

## سند سوم:

محمد بن اسماعیل بن یزید از صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر(علیه السلام) (43)

بررسی سلسله سند:

- 1- محمد بن اسماعیل بزیع: «ثقه» بودن این شخص نزد علماء مشخص می باشد.
- 2- صالح بن عقبه: «ثقه» یا «معتبر» است و مرحوم خوئی (رحمه الله) او را توثیق می نماید (44).
- 3- عقبه بن قیس: کوفی و مجهول الحال است. محدث نوری نامی از او برده است ولی نه از او مدحی بیان نموده و نه نقص برایش برشمرده است. و نقل کرده از رجال شیخ اینکه او از اصحاب امام صادق(علیه السلام) بوده است (45) و مرحوم خوئی(رحمه الله) هم همین را ذکر کرده (46) علاوه بر این مرحوم خوئی(رحمه الله) قائل است به اینکه اسنادی که شیخ آنها را به محمد بن اسماعیل بن بزیع می رساند صحیح هستند. و این روایت را شیخ از کتاب ابن بزیع در حج نقل نموده و طریقهش را تا او ذکر نموده است.

## سند چهارم:

روایت می کند محمد بن خالد الطیالسی از سیف بن عمیره که خارج شدم با صفوان بن مهران... خواند صفوان

زیارتی را که علقمة از امام باقر(علیه السلام) روایت کرده بود. (47)

بررسی سلسله سند:

- 1- محمد بن خالد الطیالسی: مورد اعتماد می باشد (توضیح آن گذشت).
  - 2- سیف بن عمیره: ثقه است (توضیح آن گذشت).
  - 3- صفوان بن مهران: از «ثقات» بزرگ شیعه می باشد (48).
- تنها اشکالی که در این سند می توان مطرح نمود در مورد اسناد شیخ به محمد بن خالد الطیالسی است. از آنجا که در این طریق احمد بن محمد بن یحیی نیز می باشد. مرحوم خوئی(رحمه الله) آنرا ضعیف دانسته است (49). ما در بررسی های قبلی خود در این جزوه اشکال مزبور را مطرح و حل نمودیم و به تبع عده ای از علماء این شخص را معتبر دانستیم که شرح آن گذشت.
- نتیجه: در این سند هم اشکالی وجود ندارد.

## تذکر:

برای زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در روز عاشورا روایت دیگری نیز وجود دارد که سند آن معتبر می باشد و متن آن با زیارت عاشورای معروفه مقداری متفاوت است. اما همانند زیارت عاشورا شامل تکرار لعن بر

اعداء اهل بیت (علیهم السلام) و تاکید بر آن می باشد. این روایت در کتاب بحارالانوار زیارت پنجم می باشد ولی سند آن در زیارت ششم ذکر شده است. (50)

سند این زیارت چنین می باشد مؤلف مزار کبیر (ابن المشهدی) گوید خبر داد به من عمادالدین طبرسی از اجلاء است. از شیخ ابوعلی الحسن بن محمد (51) از ابن قولویه و صدوق از محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام).

### خلاصه بحث:

- از آنچه در مورد قطعیت صدور زیارت عاشورا مطرح شد مطالب زیر را بطور خلاصه بیان می کنیم.
- 1- برخی از اسناد زیارت عاشورا «حسنة» است و قابل تمسك می باشد.
  - 2- بر فرض آنکه حسنة بودن اسناد زیارت عاشورا را نادیده بگیریم، این روایات یکی موجب تقویت و معاضدت با دیگری می شود، و انسان اطمینان به صدور پیدا می کند. این وثوق در اعتبار سند کافی است هرچند که بنابر اصطلاح علم رجال «صحیح» نباشد. زیرا تعدد روایات ضعیف کمتر از يك روایت صحیح نیست.
  - 3- شواهدی که در مورد صدور این روایت ذکر کردیم موجب تقویت اسناد می شود و بر فرض اینکه به تنهایی معتبر نباشند آنها را پشتیبانی و تأیید می کنند. و در نتیجه قطع به صدور حاصل می شود.
  - 4- حتی اگر فرض کنیم که قطع به صدور حاصل نشود باز می توان آنرا بقصد "رجاء" و ترتب ثواب خواند و بنابر روایات ثواب مذکور برای آن تحصیل می شود.
  - 5- لعن که در زیارت عاشوراء مذکور است بنحو شدیدتر در روایات معتبر دیگری موجود می باشد و با خود قرآن کریم تأیید می شود. که در آن تصریح بر لعن ظالمین شده است. پس حتی اگر فرض کنیم زیارت عاشورا اصلاً وجود ندارد باز می توانیم آنانرا که در این زیارت مورد لعن قرار گرفته اند، لعن کنیم زیرا ایشان در زمره ظالمین هستند که بوسیله خداوند متعال و ملائک و تمامی انسانها مورد لعن واقع شده اند.
- وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين.

### پینوشت ها

- (1) ر.ک. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 101 (در چاپ دیگری ج 98) ص 303-328 در این کتاب شریف 4 روایت از 5 طریق روایت شده است (زیرا زیارت ناحیه دو طریق دارد) که به همراه زیارت جامعه ائمه مؤمنین (علیهم السلام) می باشد. بنابراین روایت مشتمل برلعن متواتر می شود، پس اگر هم در چیزی شك کنیم به هیچ روی نمی توان در مشروعیت لعن بر دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) شك نمود زیرا متواتر و یقین آور می باشد و مورد تأیید قرآن کریم که حاوی لعن ظالمین است قرار می گیرد.
- (2) صفوان بن مهران از بزرگترین "ثقات" شیعه است. (ر.ک: ایت الله العظمی خوئی. معجم رجال الحديث. ج 9.

- سیف بن عمیره نیز توسط علماء رجال "موثق" دانسته شده است. (ر.ک: روضة ج 14 ص 146 و تنقیح المقال ج 2 ص 79) (و این را بسیاری نقل کرده اند) و جامع الرواة ج 1 ص 359 و خاتمة المستدرک ج 22 ص 357 و معجم رجال الحديث ج 8 ص 364-366.
- (3) علامه مامقانی. تنقیح المقال. ج 3. ص 114.
- (4) محدث نوری. خاتمة المستدرک. 263-4022-357.
- (5) ر.ک: تعلیقات علامه امینی(رحمه الله) صاحب کتاب شریف "الغدیر" بر کتاب "کامل الزیارات" ص 213-214.
- (6) معجم رجال الحديث ج 16 ص 70.
- (7) ر.ک: الوسیط. میرزا محمد استرآبادی نقل از: جامع الرواة. مقدس اردبیلی(رحمه الله) ج 1 ص 71.
- (8) تنقیح المقال علامه مامقانی ج 1 ص 95 و 96.
- (9) کامل الزیارات ص 174 و بحار الانوار ج 98 (در بعض چاپ ها ج 101) ص 290.
- (10) آنطور که بنظر می رسد افرادی که در سلسله سند کتاب کامل الزیارات هستند تا خود معصوم(علیه السلام) همه مورد توثیق هستند. این مطلب را صاحب وسایل در آخر کتاب در ضمن "فوائد" ذکر نموده است. مرحوم خوئی(رحمه الله) نیز مدتی از این رأی صاحب وسائل پیروی می کردند ولی پس از آن در غیر از راوی آخر از مطلب برگشت نمودند و تنها در هر سند حلقه آخر را که ذکر شده است مورد توثیق دانستند بهر حال اینکه راوی آخر "ثقه" می باشند یقینی است.
- (11) معجم رجال الحديث ج 6 ص 186 (3895).
- (12) خاتمة مستدرک وسائل الشیعة ج 21 ص 3 (256).
- (13) جامع الرواة به نقل از خلاصه.
- (14) تنقیح المقال ج 3 ص 193.
- (15) معجم رجال الحديث ج 17 ص 283 (11864-11857-11847).
- (16) ج 14 ص 452.
- (17) تنقیح المقال ج 3 ص 194.
- (18) خاتمة المستدرک 70-1-19.
- (19) تنقیح المقال ج 3 ص 114.
- (20) خاتمة المستدرک 363-4022-357.
- (21) تعلیقه علامه امینی بر کامل الزیارات 214-213.
- (22) جامع الرواة ج 1 ص 407.
- (23) تنقیح المقال ج 2 ص 39.
- (24) همان.
- (25) جلد 14 ص 150.
- (26) همان.
- (27) معجم رجال الحديث ج 9 ص 79.
- (28) خاتمة المستدرک 4-27 (362).

- (29) تعلقيه علامه اميني بر كامل الزيارات ص 213 و 214.
- (30) جامع الرواة ج 1 ص 545.
- (31) تنقيح المقال ج 2 ص 259.
- (32) معجم رجال الحديث ج 11 ص 182 و 183.
- (33) خاتمة المستدرک. 8-26 (208).
- (34) كامل الزيارات ص 174 و بحارالانوار ج 98 (در بعض چاپ ها 101) ص 290.
- (35) اين اشکال به سند اول نيز وارد است.
- (36) بحارالانوار ج 98 (101) ص 290.
- (37) بحارالانوار ج 98 ص 290 و 293.
- (38) معجم رجال الحديث ج 6 ص 186.
- (39) معجم رجال الحديث ج 9 ص 79.
- (40) تنقيح المقال ج 2 ص 48.
- (41) خاتمة المستدرک 5-23 ص 100.
- (42) معجم رجال الحديث ج 14 ص 158.
- (43) بحارالانوار ج 98 (101) ص 394 نقل از مصباح شيخ.
- (44) معجم رجال الحديث ج 9 ص 79.
- (45) خاتمة المستدرک 8-26 ص 204.
- (46) معجم رجال الحديث ج 11 ص 156.
- (47) بحارالانوار ج 98 (101) ص 296.
- (48) معجم رجال الحديث ج 9 ص 121 (192).
- (49) معجم رجال الحديث ج 6 ص 70.
- (50) زیارت ششم در بحر الانوار ج 98 ص 213 و زیارت پنجم در ص 309 ذکر شده است.
- (51) از پدرش شيخ ابو جعفر از مفید.